

مقایسه فضای انگیزشی ادراک شده در ورزشکاران: بررسی تفاوت‌های مربوط به جنس و نوع رشته ورزشی

ریحانه عزتی^۱، شهزاد طهماسبی بروجنی^۲، اکبر بهلول^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه فضای انگیزشی ادراک شده ورزشکاران زن و مرد رشته‌های ورزشی تیمی بود. ۲۶۹ نفر از ورزشکاران دوازدهمین المپیاد ورزشی نسخه دوم پرسش‌نامه فضای انگیزشی ادراک شده در ورزش را تکمیل کردند. نتایج تنها در خرده مقیاس مجازات برای پیشرفت در بُعد فضای خودمحور تفاوت معناداری را نشان داد و بین تیم‌های والیبال، بسکتبال و فوتبال در بُعد تکلیف‌محور و دو خرده‌مقیاس نقش مهم و یادگیری مشارکتی تفاوت معناداری مشاهده شد. می‌توان گفت مقیاس‌های بررسی شده از عوامل تأثیرگذار بر سطح آمادگی روانی ورزشکاران بوده و به مربیان و روان‌شناسان ورزشی پیشنهاد می‌شود، فضای حاکم بر تیم‌های ورزشی را با توجه به جنسیت و نوع رشته ورزشی به عنوان یکی از عوامل کارآمد بر عملکرد ورزشی در نظر داشته باشند.

کلید واژه‌ها: تکلیف محور، خود محور، فضای انگیزشی ادراک شده، نظریه پیشرفت، نظریه خودمختاری.

Comparison of Perceived Motivational Climate in Athletes: Scrutiny Differences Related to Gender and Sports Field Type

Reihaneh Ezzati, Shahzad Tahmasebi Boroujeni, and Akbar Bohloul

Abstract

The aim of this study was to compare the perceived motivational climate among male and female athletes in team sports. 269 athletes from 12th Iranian student sport Olympia completed the PMCSQ-2 questionnaire. Results showed that significant difference between men and women in self-punishment for ego-orientation dimension. Also, results showed that significant difference between the three different teams in self-oriented dimensions (important role and cooperative learning subscales). It can be said that studied scales were the factors that influence for the psychological preparation and suggested that the coaches and sport psychologists, consider to climate in sports teams according to gender and sport as one of the effective factors on sports performance.

Keywords: Achievement Global Theory, Perceived Motivational Climate, Self-Determination Theory, Self-Oriented, Task-Orient

Email: reihanehezzati@ut.ac.ir

۱. کارشناسی ارشد آموزش تربیت بدنی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار دانشگاه تهران

۳. کارشناسی ارشد یادگیری و کنترل حرکتی، دانشگاه تهران

مقدمه

انگیزش، یکی از اصلی‌ترین موضوعات در روان‌شناسی ورزشی بوده و نگرش فعلی به آن، نگرشی اجتماعی-شناختی است که برگرفته از نگرش نیکولز^۱ (۱۹۸۹) در ارتباط با هدف پیشرفت می‌باشد. همچنین، با اصل شرکت و عدم شرکت در ورزش، انتخاب نوع ورزش و میزان تلاش برای پیشرفت در آن سروکار دارد (واعظ موسوی، ۲۰۰۸، ص. ۱۵۱). نیکولز توجه خود را بر ماهیت هدف‌گرای^۲ رفتار مربوط به پیشرفت متمرکز کرد و استدلال نمود با وجود این‌که، در مورد موقعیت‌های پیشرفت، دو مفهوم و برداشت از توانایی وجود دارد، اما ادراک توانایی، ویژگی متمایزکننده انگیزش پیشرفت است. بنابراین، افراد با یکی از دو برداشت مربوط به معنای توانایی، به تکالیف می‌پردازند و این برداشت بر ادراک و باورهای آنها در مورد فعالیت اثر می‌گذارد. این دو برداشت از توانایی شامل استعداد یا آمادگی^۳ (یا متغیری در ذهن)، و درک فرد از مقتضیات موقعیتی^۴ است. بنابراین، ورزشکار به یکی از دو حالت زیر در ورزش، درگیر می‌شود. لذا برای تشخیص این دو حالت، واژه‌های تکلیف^۵ و خود^۶ به کار برده می‌شود. فردی که درگیر تکلیف شده، توجه خویش را بر توسعه مهارت‌ها، یادگیری مهارت‌های جدید و نمایش تبخّر در تکلیف متمرکز می‌کند. نمایش توانایی در این فرد، بر مبنای حداکثر تلاش فرد نسبت به خود است. چنین فردی، درک از توانایی هنجاری برایش مطرح نمی‌شود، زیرا تلاش می‌کند تا تبخّر و مهارت خود را به نمایش بگذارد. رفتارهای مربوط به پیشرفت در وی، سازگارانه خواهد بود؛ به طوری که فرد با وجود

شکست، استقامت نشان می‌دهد، تلاش می‌کند، تکلیف دشوار را انتخاب می‌نماید و به تکلیف علاقه-مند می‌شود. در مقابل، فردی که درگیر خود شده، توجه خود را به برتر بودن نسبت به دیگران معطوف می‌کند. در این فرد، نمایش توانایی براساس اجرای بهتر با کمترین تلاش نسبت به دیگران است. ادراک فرد خودگرا از توانایی‌اش اهمیت می‌یابد، زیرا تلاش می‌کند توانایی هنجاری را به نمایش بگذارد و بدین ترتیب نحوه نمایش توانایی او در مقایسه با دیگران اهمیت پیدا می‌کند. اگر فرد درگیر خود شود و توانایی‌اش را زیاد ادراک کند، احتمالاً به رفتارهای سازگارانه مربوط به پیشرفت خواهد پرداخت. احتمال نمایش توانایی هنجاری در این شرایط زیاد خواهد شد، بنابراین فرد برای ادامه فعالیت و نمایش شایستگی‌اش به دیگران برانگیخته می‌شود. ولی اگر فردی بتواند توانایی خود را با تلاش کم نمایش دهد نشانه‌ای از توانایی بیشتر اوست. بنابراین شخص خود درگیر^۷ ترغیب می‌شود برای رسیدن به هدف، کمتر تلاش کند (واعظ موسوی و شجاعی، ۲۰۰۹، ص. ۱۳۹). در این راستا، نیکولز بر اساس دو دیدگاه اصلی تکلیف‌گرایی^۸ و خودگرایی^۹ دست‌یابی به هدف را نتیجه تعامل این دو عامل می‌داند (نیکولز، ۱۹۸۹، ص. ۱۲۷). و آزر معتقد است هدف پیشرفت، بین عوامل طبیعی و تمایلات موقعیتی فرد در محیط، تمایز قائل می‌شود (آمز^{۱۰}، ۱۹۹۲، ص. ۱۶۴). هدف پیشرفت در افراد مختلف، متفاوت است و هدف-گرایی‌های^{۱۱} مختلف با فرآیندهای انگیزشی خاصی مرتبط هستند (آمز و آرچر^{۱۲}، ۱۹۸۸، ص. ۲۶۴). از آن جایی که هدف اصلی مشارکت ورزشی ارتقای مهارت

7. Ego-involved
8. Task - orientation
9. Ego-orientation
10. Ames
11. Goal - orientation
12. Ames & Archer

1. Nicholls
2. Goal-directed
3. Disposition or in the Head Variable
4. Perceived Situational Demands
5. Task
6. Ego

و افزایش ادراک شرکت‌کنندگان از شایستگی خود، احساس رضایت‌مندی و ایجاد انگیزه بلندمدت در آن‌ها است. در این نظریه بیان می‌شود که افراد برای نشان شایستگی، سخت تلاش می‌کنند و شایستگی ادراک شده، عامل تعیین‌کننده مهمی از رفتار انگیزشی است (نیوتن، دادا و یین، ۲۰۰۰، ص. ۲۷۹). یکی دیگر از نظریه‌های مطرح که تمرکز اصلی آن بر بافت اجتماعی است نظریه خودمختاری^۱ (دسی و ریان، ۲۰۰۰) می‌باشد. در این نظریه انگیزش و رفتار براساس جهت‌گیری انگیزشی، اثرات بافت محیطی و ادراکات بین فردی توضیح داده می‌شود.

بر این اساس، ورزشکاران تکلیف‌گرا به توسعه شایستگی‌ها و توانایی‌های پیشرفت در تکلیف می‌پردازند و اگر عملکرد این ورزشکاران مبین بهترین نتیجه توانایی اخیر آنها از راه تسلط بر تکنیک خاص، افزایش آگاهی از روی حساب یا ایجاد پیشرفت در یادگیری اجرای تکلیف باشد، راضی می‌شوند. این افراد انگیزه دارند تا توانایی خود را تا حد کامل بهبود بخشند و توانایی خود را با توانایی دیگران مقایسه نمی‌کنند. بر خلاف آن‌ها، ورزشکاران خودگرا موفقیت را در مقایسه با دیگران می‌بینند. معیار ادراکی آنها از پیروزی و توانایی، شکست رقیب یا رسیدن به نتیجه مساوی صرف با تلاش کمتر است. در اصل، ورزشکاران خودگرا برای احساس موفقیت و صلاحیت، بدون توجه به پیشرفت یا ارتقای خودشان، باید برتری خود را به دیگران نشان دهند (دسی و ریان، ۲۰۰۰، ص. ۷۴).

از سوی دیگر، نه تنها گرایش‌های فردی در خصوص هدف، بلکه خصوصیات انگیزشی در محیط‌های ورزشی نقش مهمی را در عوامل روان‌شناختی، عاطفی و فیزیکی (هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی) در مشارکت‌های ورزشی ایفا می‌کنند

(دادا^۳، ۲۰۰۱، ص. ۴۱۹). بنابراین، میزان موقعیت‌های های پیشرفتی که افراد با توجه به اهداف خود تکلیف به آن دست می‌یابند تحت تأثیر هدف‌گرایی، فضای انگیزشی^۴ و توانایی به کارگیری اطلاعات، مقایسه اجتماعی در ارزیابی دشواری تکلیف و شایستگی قرار می‌گیرد. فضای انگیزشی عاملی اساسی است که بر انگیزش افراد اثر می‌گذارد و به تعریفی اجتماعی مانند کلاس درس یا تیم ورزشی از رفتار مطلوب و نامطلوب برمی‌گردد. عواطف مثبت مانند لذت و خوشنودی از مشارکت، تمایل فرد برای حفظ فعالیت را تقویت می‌کند. نوع جوئی که توسط مربی و دیگران از جمله هم‌تیمی‌ها فراهم می‌شود، می‌تواند انگیزش درونی فرد را ارتقاء دهد. به نظر می‌رسد محیطی که انگیزش درونی را تقویت می‌کند، بتواند تأثیر مثبتی بر جنبه‌های مختلف سلامت روانی داشته باشد. بنابراین کسب آگاهی در مورد فرآیندهای انگیزشی ورزشکاران، به ویژه در سطح نخبه اهمیتی اساسی برای کمک به حفظ مشارکت آن‌ها دارد.

فضای انگیزشی که توسط افراد مهم (مثل والدین، مربیان و معلمان) ایجاد می‌شود دو رویکرد غالب جو تکلیف‌محور و جو خودمحور دارد. در جو تکلیف‌محور افراد به یادگیری و رشد ترغیب می‌شوند، موفقیت فراتر از نتایج رقابتی ارزیابی می‌شود، عملکرد فردی مورد توجه است و مقایسه با دیگران انجام نمی‌شود و به هر تلاشی اهمیت داده می‌شود. از سوی دیگر، در جو انگیزشی خودمحور یادگیری و رشد تشویق نمی‌شود، تمرکز اصلی بر نتایج رقابتی است و نه عملکرد، از درون‌دادهای فردی جلوگیری می‌شود و قیاس با دیگران به کرات انجام می‌گیرد.

هاروود، کیگان، اسمیت و رین^۵ (۲۰۱۵) به بررسی و ارزیابی سیستماتیک ادبیات و پیشینه هدف دست‌یابی

3. Duda

4. Motivational Climate

1. Harwood, Keegan, Smith & Raine

1. Self-determination Theory

2. Deci & Ryan

و اطرافیان‌ش همچون والدین و مربیان است و هر چه فضای انگیزشی مربیان و بازیکنان با هم در یک راستا قرار گیرد راه رسیدن به اهداف هموارتر می‌شود. عمده توجه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه به موضوع فضای انگیزشی ایجاد شده توسط مربی و والدین بوده و کمتر مسأله فضای انگیزشی ایجاد شده توسط خود بازیکنان مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی بحث جنسیت در پژوهش‌ها بسیار کم‌رنگ بوده و تفاوت بین بازیکنان زن و مرد در فضای انگیزشی نادیده گرفته می‌شود.

با توجه به اینکه روایی و پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه فضای انگیزشی ادراک شده در ورزش، اخیراً و در سال ۱۳۹۲ به دست آمده است، لذا پژوهش‌های داخلی انجام شده در این زمینه بسیار انگشت شمار است. از طرفی در هیچ یک از پژوهش‌های داخلی و خارجی به تعیین دقیق تفاوت فضای انگیزشی بازیکنان با توجه به رشته ورزشی و جنسیت آنها نپرداخته‌اند. به عنوان مثال، این موضوع بررسی نشده است که آیا زنان در مقایسه با مردان به فاکتور نقش مهم به طور یکسان اهمیت می‌دهند یا خیر؟ آیا تفاوت معناداری در ادراک فضای انگیزشی بین رشته‌های تیمی وجود دارد یا نه؟ و آیا جنسیت بر ادراک فضای انگیزشی اثر گذار است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی بوده و به منظور مقایسه فضای انگیزشی ورزشکاران زن و مرد و رشته‌های ورزشی تیمی است. ابتدا توضیحاتی راجع به هدف پژوهش و روش تکمیل پرسش‌نامه به آزمودنی‌ها داده شد. بعد از اعلام رضایت شرکت‌کنندگان، پرسش‌نامه مذکور بین ورزشکاران در ساعت‌هایی که مسابقه نداشتند، توزیع و توسط آن‌ها تکمیل گردید.

به پیشرفت در طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ پرداختند. ایشان به مطالعه، بازبینی و شناسایی عوامل درون فردی از برداشت فضای انگیزشی، شکاف‌های پژوهش و راه‌های مورد نیاز توسعه بیشتر در زمینه هدف دستیابی پرداختند. ایشان نشان دادند که فضای تکلیف‌محور به طور مداوم، با طیف وسیعی از نتایج تطبیقی انگیزه از جمله صلاحیت درک، اعتمادبه‌نفس، استراتژی‌های سازگارانه، عملکرد هدف، شکل درونی از خودتنظیمی و غیره همراه است. پس از بررسی تعداد زیادی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، نویسندگان یک سری موارد و گزینه‌ها را برای پیشرفت معنادار در درک انگیزه اجتماعی در ورزش و محیط‌های ورزشی پیشنهاد کردند تا قدمی برای پیشرفت در زمینه ادراک فضای انگیزشی برداشته باشند (هاروود، کیگان، اسمیت و رین، ۲۰۱۵، ص. ۹). لویز، گالیگوس، اکسترمر و آبرالدز^۱ (۲۰۱۴) به بررسی فضای انگیزشی ادراک شده و ارزیابی اثرات جهت‌گیری هدف روی انگیزه زنان هندبالیست نخبه پرداختند. نتایج نشان داد بازیکنان زن بیشتر به درک فضای انگیزشی تکلیف‌محور پرداخته و بازیکنانی که خودمحور بودند، یک فضای انگیزشی عملکردی را درک می‌کردند (لویز، گالیگوس، اکسترمر و آبرالدز، ۲۰۱۴، ص. ۴۳۷).

لذا، با پیشرفت روزافزون و نزدیک شدن سطح رقابت تیم‌های ورزشی به یکدیگر، برای کسب نتایج بهتر، ضرورت نیروهای روانی بیش از پیش مورد اهمیت مربیان و ورزشکاران قرار گرفته و برجسته می‌شود. یکی از این جنبه‌های روانی اثر گذار بر کسب نتایج بهتر مسأله انگیزش بازیکنان و مربیان است. می‌توان گفت، عملکرد بهتر تیم‌های ورزشی به شدت تحت تأثیر فضای انگیزشی ادراک شده توسط خود بازیکن

2. Lopeza, Gallegosb, Extremeraa & Abrales

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۱۵۲ نفر از ورزشکاران شرکت‌کننده در مسابقات تیمی والیبال، بسکتبال و فوتبال دوازدهمین المپید ورزشی دانشجویان کشور (تایستان ۲۰۱۴) بودند. به عنوان نمونه در دسترس ۲۶۹ نفر از بازیکنان والیبال، بسکتبال و فوتبال ۱۸ تا ۲۳ ساله (۱۴۰ زن و ۱۲۹ مرد) با سابقه فعالیت ورزشی با میانگین (۴۵/۷±۸۳/۲) سال به تکمیل نسخه دوم پرسش‌نامه فضای انگیزشی ادراک شده در ورزش (پی.ام.سی.اس.کیو.۲) پرداختند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از نسخه دوم پرسش‌نامه ۲۷ سؤالی فضای انگیزشی ادراک شده در ورزش (پی.ام.سی.اس.کیو.۲) استفاده شد. مدل لاتین این پرسش‌نامه دارای ۳۳ سوال در دو بُعد اصلی (فضای تکلیف‌محور و فضای خودمحور) است. بُعد تکلیف‌محور شامل سه عامل تلاش/پیشرفت (داشتن احساس خوب در صورت انجام بیشترین تلاش)، نقش مهم (سهیم بودن در موفقیت به شکلی معنی‌دار)، یادگیری مشارکتی (کمک به یکدیگر برای یادگیری) بوده و بُعد خودمحور شامل سه عامل تنبیه برای اشتباهات (وقتی فرد اشتباهی انجام می‌دهد مربی عصبانی می‌شود) به رسمیت‌شناختن نابرابر (تنها بهترین ورزشکاران تحسین می‌شوند) و رقابت درون-تیمی اعضا بود. جو عملکردی یا خودمحور شانزده مورد و جو برتری یا تکلیف‌محور هفده مورد بود. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) ارزیابی می‌شود. نیوتن و همکاران (۲۰۰۰) پایایی و روایی مناسبی را برای این ابزار گزارش دادند و ثبات درونی ۸۷/۰ را برای بُعد

تکلیف‌محور و ۸۹/۰ را برای زیرمقیاس بُعد خودمحور نشان دادند (نیوتن، دادا و یین، ۲۰۰۰، ص. ۲۸۰). طهماسبی بروجنی، شهبازی و صالحی (۲۰۱۳) نیز روایی و پایایی این پرسش‌نامه را روی جامعه ورزشکاران ایرانی ۱۳-۲۳ سال بررسی نموده و پرسش‌نامه‌ای با ۲۷ سوال دارای دو بُعد تکلیف‌محور و خودمحور ارائه دادند که بعد فضای تکلیف‌محور شامل هفده آیتم با سه عامل (نقش مهم، تلاش/پیشرفت و یادگیری مشارکتی) بوده و فضای خودمحور شامل ده آیتم با دو عامل (مجازات‌برای-اشتباهات و به رسمیت‌شناختن نابرابر) می‌باشد. ابعاد و عامل‌های پرسش‌نامه فضای انگیزشی ادراک شده در ورزش ۲ در شکل ۱ نشان داده شده است. نسبت روایی محتوا ۶۶/۰ و شاخص روایی محتوای ۹۷/۰ را برای این پرسش‌نامه گزارش کردند. این پرسش‌نامه همسانی درونی نسبتاً قابل قبولی (۷۶۷/۰) و میزان آلفای کرونباخ برای دو بُعد فضای تکلیف‌محور (۸۷۹/۰) و برای فضای خودمحور (۶۹۹/۰) دارد (طهماسبی بروجنی، شهبازی و صالحی، ۲۰۱۳، ص. ۳۴).

روش پردازش داده‌ها

از روش‌های آمار توصیفی برای محاسبه شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی (میانگین، انحراف استاندارد) و ترسیم نمودار استفاده شد. همچنین پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف از آماره‌های پارامتریک مانند: آزمون تحلیل واریانس چند متغیره به منظور مقایسه رشته‌های ورزشی و در صورت معنادار بودن آن از آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه دویه دوی رشته‌ها در سطح معناداری $P \leq 0.05$ استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار اس.پی.اس.اس نسخه ۱۶ انجام گرفت. همچنین از نرم افزار اکسل نسخه ۲۰۱۳ برای ترسیم نمودارها استفاده شد.

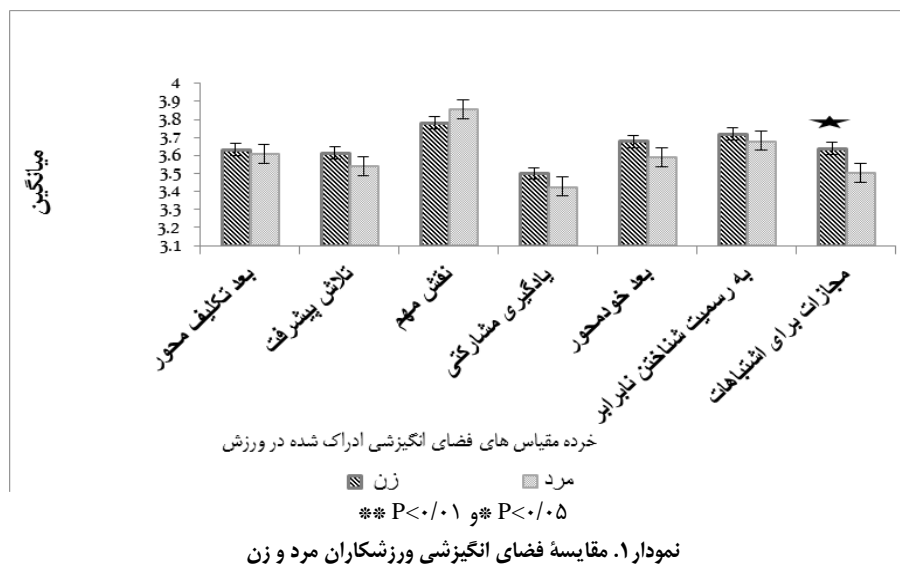
جدول ۱. اطلاعات توصیفی ورزشکاران زن و مرد و رشته‌های ورزشی

جنسیت	مرد			زن	
	فوتبال	بسکتبال	والیبال	فوتبال	بسکتبال و والیبال
تعداد	۴۸	۴۰	۴۱	۴۵	۴۸
تعداد کل	۱۲۹			۱۴۰	
میانگین سن	۳۹/۲۱±۳۶/۱			۴۸/۲۱±۳۲/۱	
سابقه فعالیت	۰۷/۷±۵۵/۲			۸۱/۷±۰۴/۳	
تکلیف محور	۶۰/۳±۴۴/۰			۶۳/۳±۳۷/۰	
خودمحور	۳/۵۹±۵۴/۰			۶۷/۳±۴۱/۰	

یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به اطلاعات توصیفی ورزشکاران زن و مرد و رشته‌های ورزشی در جدول ۱ نشان داده شده است. پس از اطمینان از برقراری توزیع طبیعی داده‌ها در بررسی مقایسه بین ورزشکاران مرد و زن تفاوت معناداری بین زنان و مردان در مقیاس مجازات

برای پیشرفت ($P=۰.۳۸/۰$) مشاهده شد که زنان نمرات بالاتری نسبت به مردان داشتند و در خرده مقیاس‌های دیگر تفاوت معناداری بین ورزشکاران زن و مرد مشاهده نشد. همچنین از لحاظ تکلیف محوری و خودمحوری بین زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده نشد (نمودار ۱).



اما در مقایسه بین رشته‌های ورزشی بدون در نظر گرفتن جنسیت در بُعد خودمحور ($P=۰/۰۰۰۵$) تفاوت معنادار بود.

در بررسی مقایسه بین رشته‌های مختلف تیمی، نتایج تحلیل واریانس چند متغیره تفاوت معناداری بین زنان و مردان در رشته‌های ورزشی نشان نداد ($P \geq 0.05$).

همچنین در خرده مقیاس‌های نقش مهم ($P=0/001$) و یادگیری مشارکتی ($P=0/034$) تفاوت معناداری مشاهده شد. همچنین، در مقایسه همزمان رشته ورزشی و جنسیت، در خرده مقیاس مجازات برای پیشرفت ($P=0/043$) تفاوت معنادار بود (جدول ۲). همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است با بررسی دقیق تر نتایج آزمون تعقیبی توکی، تنها در بُعد تکلیف-محوری بین بازیکنان والیبال و بسکتبال ($P=0/005$) و

بازیکنان بسکتبال و فوتبال ($P=0/005$) و دو خرده مقیاس آن؛ یعنی نقش مهم بین بازیکنان والیبال و بسکتبال ($P=0/010$) و بسکتبال و فوتبال ($P=0/004$)، و یادگیری مشارکتی بین بازیکنان والیبال و بسکتبال ($P=0/028$) تفاوت معناداری مشاهده شد و در بُعد خودمحوری و دیگر خرده مقیاس‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشد ($P \geq 0/05$).

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره رشته‌های ورزشی

لامبدای ویلکز	اف	سطح معناداری	ابعاد و خرده مقیاس‌ها	مربع میانگین	اف	سطح معناداری
			تکلیف محور	۰۵۲/۰	۳۳۲/۰	۵۶۵/۰
			خودمحور	۵۱۸/۰	۲۷۷/۲	۱۳۳/۰
			تلاش پیشرفت	۴۱۵/۰	۸۹۳/۱	۱۷۰/۰
جنسیت	۹۶۸/۰	۷۳۵/۱	نقش مهم	۳۳۴/۰	۰۸۲/۱	۲۹۹/۰
			یادگیری مشارکتی	۳۹۱/۰	۹۳۴/۰	۳۳۵/۰
			به رسمیت شناختن نابرابر	۰۸۵/۰	۲۷۰/۰	۶۰۴/۰
			مجازات برای پیشرفت	۳۱۸/۱	۳۸۴/۴	*۰۳۸/۰
			خود محور	۲۷۴/۱	۹۷۴/۷	۳۹۶/۰
			تکلیف محور	۲۱۲/۰	۹۳۰/۰	*۰۰۰/۰
			تلاش پیشرفت	۴۰۸/۰	۸۶۱/۱	۱۵۸/۰
ورزش	۹۱۷/۰	۲۸۸/۲	نقش مهم	۴۱۴/۲	۸۱۴/۷	*۰۰۱/۰
			یادگیری مشارکتی	۴۳۵/۱	۴۲۷/۳	*۰۳۴/۰
			به رسمیت شناختن نابرابر	۳۶۴/۰	۱۵۷/۱	۳۱۶/۰
			مجازات برای پیشرفت	۲۰۵/۰	۶۷۵/۰	۵۱۰/۰
			تکلیف محور	۱۰۵/۰	۶۵۷/۰	۵۱۹/۰
			خودمحور	۳۳۸/۰	۴۸۶/۱	۲۲۸/۰
			تلاش پیشرفت	۰۶۱/۰	۲۷۷/۰	۷۵۸/۰
جنسیت× ورزش	۹۶۶/۰	۹۰۱/۰	نقش مهم	۲۰۳/۰	۶۵۶/۰	۵۲۰/۰
			یادگیری مشارکتی	۱۹۱/۰	۴۵۵/۰	۶۳۵/۰
			به رسمیت شناختن نابرابر	۰۳۵/۰	۱۱۲/۰	۸۹۴/۰
			مجازات برای پیشرفت	۹۶۹/۰	۱۹۵/۳	*۰۴۳/۰

جدول ۳. نتایج آزمون تعقیبی توکی رشته‌های ورزشی تیمی

ابعاد	رشته ۱- رشته ۲	خطای استاندارد میانگین	اختلاف میانگین ها	سطح معناداری
تکلیف محور	والیبال - بسکتبال	۲۳۰۵/۰	۰۶۰/۰	*۰/۰۰۰۵
	والیبال - فوتبال	۰۴۱۳/۰	۰۵۹/۰	۷۶۶/۰
نقش مهم	بسکتبال - فوتبال	۱۸۹۲/۰	۰۵۹/۰	*۰۰۵/۰
	والیبال - بسکتبال	۳۱۴/۰	۰۸۳/۰	*۰۰۱/۰
	والیبال - فوتبال	۰۴۵/۰	۰۸۲/۰	۸۴۵/۰
	بسکتبال - فوتبال	۲۶۹/۰	۰۸۲/۰	*۰۰۴/۰
یادگیری مشارکتی	والیبال - بسکتبال	۲۵۱۳/۰	۰۹۷/۰	*۰۲۸/۰
	والیبال - فوتبال	۰۶۲۰/۰	۰۹۵/۰	۷۹۴/۰
	بسکتبال - فوتبال	۱۸۹/۰	۰۹۶/۰	۱۲۴/۰

در پی بررسی دقیق‌تر میزان اهمیت خرده مقیاس‌های فضای انگیزشی ادراک شده در دو بُعد تکلیف‌محور و خودمحور هستیم. تقریباً می‌توان گفت که تا به حال هیچ پژوهشی با این هدف که دقیقاً کدام رشته ورزشی در کدامیک از خرده مقیاس‌ها با دیگر رشته‌ها تفاوت دارد، انجام نشده است. بی‌شک نوع فضای انگیزشی غالب بر ورزشکاران و تیم‌های ورزشی در تعیین میزان موفقیت تیمی آنها نقش به‌سزایی دارد و از جمله عوامل روانی مهم به‌شمار می‌آید.

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه فضای انگیزشی- ادراک‌شده ورزشکاران زن و مرد و رشته‌های ورزشی تیمی با یکدیگر بود. نتایج این پژوهش نشان داد بین زنان و مردان در رشته‌های ورزشی تیمی به‌جز خرده مقیاس مجازات برای پیشرفت تفاوت معناداری در خرده مقیاس‌های دیگر وجود ندارد. این یافته با نتایج پتریک و ویگان (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. پتریک و ویگان در پژوهش خود نشان دادند که تفاوت جنسیتی قابل توجهی در فضای انگیزشی ادراک شده، بین شناگران زن و مرد وجود ندارد. تنها تفاوتی که بین زنان و مردان در خرده مقیاس‌ها مشاهده شده، خرده مقیاس مجازات برای پیشرفت است. زنان نمرات بالاتری در مقیاس مجازات برای پیشرفت نسبت به مردان کسب کردند که با نتایج پژوهش پتریک و

در نهایت نتایج این پژوهش نشان داد که بازیکنان رشته‌های ورزشی والیبال، بسکتبال و فوتبال/فوتبال در ابعاد فضای انگیزشی از لحاظ جنسیت تنها در یکی از خرده مقیاس‌های خودمحوری (مجازات برای پیشرفت) تفاوت معناداری داشتند. در مقایسه نوع رشته‌های ورزشی نیز بین بازیکنان رشته‌های والیبال - بسکتبال در بُعد تکلیف‌محور و در دو خرده مقیاس نقش مهم و یادگیری مشارکتی تفاوت معنادار شد و بین بازیکنان رشته‌های بسکتبال و فوتبال در خرده مقیاس نقش مهم و در بُعد تکلیف‌محور تفاوت‌ها معنادار شد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه بررسی فضای انگیزشی ادراک‌شده در ورزش مورد توجه پژوهشگران حیطة ورزش قرار گرفته است. با نگاهی اجمالی به پژوهش‌های انجام گرفته، می‌توان گفت بیشتر توجه روی فضای انگیزشی ایجاد شده توسط مربیان و والدین بوده است. بررسی موضوعاتی نظیر ارتباط بین فضای انگیزشی و عزت نفس، رضایت‌مندی و شادبودن، رعایت اخلاق، رعایت قوانین، همبستگی تیمی و غیره موضوعاتی هستند که در پژوهش‌های قبلی به چشم می‌خورد. در این پژوهش کمی فراتر از تعیین دو بُعد تکلیف‌محوری و خودمحوری در ورزشکاران رشته‌های تیمی رفته‌ایم و

بررسی این فضا تنها در یک رشته تیمی و تعداد محدود ورزشکاران باشد. و علت دیگر مغایر بودن، این باشد که ایشان در پژوهش خود به بررسی تفاوت‌های جنسیتی نپرداخته بودند. بلکه به این نکته که برای افزایش بهره عاطفی و انگیزشی در تیم‌های ورزشی باید برنامه‌های آموزشی، بیشتر فضای انگیزشی تکلیف محورانه داشته باشند، اشاره کرده اند. زیرا، جو انگیزشی تکلیف محور موجب افزایش احساس شایستگی افراد ورزشکار می‌شود که این احساس به نوبه خود، از راه‌های افزایش سطح عزت نفس است. در مقایسه بین رشته‌های ورزشی، نتایج تفاوت معناداری را در خرده مقیاس‌های فضای انگیزشی ادراک شده بین سه رشته ورزشی نشان داد. با بررسی دقیق‌تر در بین رشته‌ها به این نتایج رسیدیم که بازیکنان دو رشته ورزشی بسکتبال و فوتبال در خرده مقیاس نقش مهم و بازیکنان دو رشته ورزشی والیبال و بسکتبال در خرده مقیاس نقش مهم و یادگیری مشارکتی با هم تفاوت معناداری داشتند. از لحاظ تکلیف‌محوری نیز بین بازیکنان والیبال و بسکتبال و فوتبال نیز تفاوت معنادار بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ایک و بکر (۱۹۹۴)، نیوتن و دادا (۱۹۹۳) و همچنین با نتایج پژوهش اقدسی و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. نقش مهم از خرده مقیاس‌های تکلیف‌محوری بوده و موجب پیشرفت در نتایج رقابتی بازیکنان می‌شود. به علاوه، با توجه به این که دادا اشاره به این دارد که فضای تکلیف‌محور موجب افزایش خودمختاری در افراد و در نهایت موجب رضایت ورزشکاران می‌شود. زیرا، بازیکنان می‌توانند تا حدی که رشته ورزشی‌شان به آنها اجازه می‌دهد اهداف شخصی خود را در تیم پیاده کرده و توانایی‌هایشان را به نمایش بگذارند، بدون آنکه پیاده سازی اهداف شخصی‌شان نیازمند تلاش بازیکنان دیگر باشد. از این جهت محیط تکلیف محور، فضای مورد علاقه ورزشکاران برای نمایش شایستگی-

ویگانند (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. مفهوم خرده مقیاس مجازات برای پیشرفت به این بر می‌گردد که وقتی فرد اشتباهی انجام می‌دهد مربی عصبانی می‌شود. میزان درک ورزشکاران از این عصبانیت متفاوت است، دقیقاً همین میزان درک است که اثر تعیین کننده در کیفیت عملکرد و نتیجه رقابت تیمی می‌شود. حال این که میزان تأثیر پذیری و درک هر بازیکن از شرایط و فضای ایجاد شده در تیم برایش متفاوت بوده و تمام جهت فکری و عملی او را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به طور مثال ممکن است اجرای او را دچار اختلال کند یا برعکس موجب بالابردن کیفیت عملکرد او شود. شاید یکی از دلایل بالاتر بودن نمرات زنان در مقابل مردان را بتوان به دلیل تفاوت روحیه ذاتی زنان نسبت به مردان اعلام کرد و این طور تفسیر نمود که زنان اهمیت بیشتری به این فاکتور یعنی مجازات برای پیشرفت قائل‌اند. زنان هنگام شرکت در ورزش‌های تیمی بیشتر از مردان به میزان عصبانیت اطرافیان توجه می‌کنند و کمترین عصبانیت از طرف مربی و هم تیمی‌هایشان، عملکرد آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که شاید این مفهوم در مردان کم رنگ بوده و توجه کمتری به این موضوع داشته باشند و درک آنها از عصبانیت هم تیمی‌ها و مربیان متفاوت با درکی که ورزشکاران زن دارند باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین زنان و مردان از لحاظ دو بُعد تکلیف‌محور و خودمحور نیز تفاوت معناداری وجود ندارد، که با نتایج پژوهشگرانی همچون دادا و هوم^۱ (۱۹۹۳)، وایت، دادا و کلر^۲ (۱۹۹۳)؛ ویلیامز (۱۹۹۴) و سیانگ چین، خو و یونگ لو^۳ (۲۰۰۹) همسو می‌باشد. و با یافته‌های پژوهش اقدسی و همکاران (۲۰۱۲) و داویس (۲۰۱۲) مغایر بود. ممکن است یکی از دلایل این تناقض

1. Duda & Hom
2. White, Keller & Duda
3. Siong Chin, Khoo & Yun Low

هایشان است. از طرفی دیگر می‌توان به منطقی بودن تفاوت معنادار در خرده مقیاس یادگیری مشارکتی که از خرده مقیاس‌های تکلیف محوری است نیز به طور همزمان اشاره کرد. علت تفاوت در یادگیری مشارکتی بین بازیکنان والیبال و بسکتبال می‌تواند به دلیل تفاوت در ماهیت رشته والیبال و بسکتبال از لحاظ مشارکت گروهی هم تیمی‌ها با یکدیگر باشد. زیرا، رشته‌های والیبال و بسکتبال علی‌رغم گروهی بودن، ویژگی انفرادی رفتار کردن را نیز در مقایسه با هم به همراه دارند. یعنی یک بازیکن بسکتبال به طور خود-مختار می‌تواند پرتابی را انجام داده و مهارت خود را در پرتاب سه امتیازی به نمایش بگذارد درحالی‌که بازیکن والیبال برای نمایش مهارت و شایستگی‌هایش نیازمند مشارکت و همکاری دیگر بازیکنان زمین، از جمله توپ‌گیر و پاسور می‌باشد تا با همکاری آنها توانایی‌اش در اسپک زدن را نشان دهد. بنابراین طبیعی و منطقی است که بین بازیکنان والیبال و بسکتبال در دو خرده مقیاس نقش مهم و یادگیری مشارکتی تفاوت معناداری مشاهده شود. تاکنون در حیطه فضای انگیزشی ادراک شده در ورزشکاران می‌دانستیم فضای تکلیف‌محور محیطی مورد علاقه برای افزایش یادگیری و پیشرفت در ورزشکاران گروهی از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که زنان فضای تکلیف‌محور قوی‌تری نسبت به مردان دارند و مردان بیشتر خودمحور هستند. در حالی‌که، برخی دیگر از پژوهشگران بین تکلیف محوری و خودمحوری زنان و مردان تفاوتی قائل نیستند. پژوهش حاضر به نتیجه‌ای مشابه دیدگاه دوم دست یافت و هیچ تفاوت جنسیتی از این لحاظ که مردان فضای خودمحوری قوی‌تری دارند و زنان بیشتر تکلیف‌محور اند مشاهده نگردید.

همچنین، با پژوهش حاضر این نتایج حاصل شد که بین رشته‌های ورزشی از لحاظ فضای انگیزشی خود ورزشکاران، تفاوت معناداری وجود دارد و هر رشته

ورزشی نیازمند فضای انگیزشی مختص خود است تا ورزشکاران بتوانند با سلامت خاطر به اهداف خود دست یابند. جنسیت نیز می‌تواند عاملی مهم در ایجاد تفاوت بین خرده مقیاس‌های فضای انگیزشی ورزشکاران رشته‌های والیبال، بسکتبال و فوتبال از لحاظ تکلیف‌محوری و خودمحوری باشد. برای دستیابی به نتیجه‌ای دقیق نیازمند پژوهش بیشتر توسط پژوهشگران علاقه‌مند به این حیطه هستیم. در نهایت، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، به ورزشکاران و مربیان و معلمان رشته‌های ورزشی به ویژه رشته‌های تیمی نام برده در این پژوهش پیشنهاد می‌شود تا با در نظر گرفتن جنسیت و نوع ورزشی که با آن سرو کار دارند به مطالعه شرایط فضای انگیزشی در آن رشته پرداخته و با بکارگیری پژوهش‌های انجام شده، آنها را در محیط واقعی عملی سازند.

از نکات قابل توجه در پژوهش حاضر می‌توان به این مسئله اشاره نمود که این پژوهش در زمان مسابقات انجام شد و عدم همکاری در تکمیل پرسش‌نامه از طرف بازیکنان تیم‌ها در زمان مسابقات، روند تکمیل پرسش‌نامه را دچار مشکل می‌کرد. همچنین در برخی موارد عدم اجازه و همکاری مربیان تیم‌ها برای پرکردن پرسش‌نامه‌ها در پیشرفت کار اختلال ایجاد نموده و موجب تقلیل در تعداد نمونه‌ها گردید. هم-چنین به دلیل اینکه پرسش‌نامه به کاربرده در این پژوهش فقط در محدوده سنی ۱۸ تا ۲۳ سال دارای اعتبار است، نمی‌توان نتایج آن را به گروه‌های سنی بالاتر و پایین‌تر تعمیم داد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده چنین پژوهشی در محدوده سنی پایین‌تر و بالاتر و همین‌طور در ورزشکارانی با سطح مهارت بالاتر (ملی) نیز انجام شود. تا فضای انگیزشی ورزشکاران نخبه ایرانی از لحاظ تکلیف‌محوری و خودمحوری و به طور دقیق‌تر قوت و ضعف در خرده مقیاس‌های تعریف شده در این دو بعد مشخص شده و موجب ارتقاء هر چه بهتر بازیکنان نخبه شود.

منابع

- Ames, C. (1992). "Achievement goals and the classroom motivational climate." *Student perceptions in the classroom*: 327-348.
- Aghdasi, M., Heyrani, A., Vazinitaheer, A., & Rahmani, M. (2012). The Relation of Perceived Motivational Climate with Anxiety and Self-esteem in Elite and Non-elite Athletes of Team Sports. *Journal of Sport Psychology Studies*, 2, 1-14.
- Davis, M. (2012). "An examination of motivational, goal achievement, and sport commitment differences in youth team and individual tennis populations.
- Duda, J. L. (2001). "Achievement goal research in sport: Pushing the boundaries and clarifying some misunderstandings." *Advances in motivation in sport and exercise* 129: 182.
- Harwood, C. G., et al. (2015). "A systematic review of the intrapersonal correlates of motivational climate perceptions in sport and physical activity." *Psychology of Sport and Exercise* 18: 9-25.
- Jaakkola, T., (2015). "Motivational climate, goal orientation, perceived sport ability, and enjoyment within Finnish junior ice hockey players." *Scandinavian journal of medicine & science in sports*. 26(1): 109-115.
- Keller, D., et al. (1993). "The relationship between goal orientation and perceived purposes of sport among youth sport participants." Manuscript submitted for publication.
- Newton, M., et al. (2000).
- Duda, J. L. and H. Hom (1993). "Interdependencies between the perceived and self-reported goal orientations of young athletes and their parents." *Pediatric Exercise Science* 5: 234-234.
- Duda, J. L. and J. G. Nicholls (1992). "Dimensions of achievement motivation in schoolwork and sport." *Journal of educational psychology* 84(3): 290.
- Gill, D. L. (1988). "Gender differences in competitive orientation and sport participation." *International Journal of Sport Psychology*. 19(2): 145-152.
- Gómez-López, M., et al. (2014). "Goal orientation effects on elite handball players motivation and motivational climate." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 132: 434-440.
- "Examination of the psychometric properties of the Perceived Motivational Climate in Sport Questionnaire-2 in a sample of female athletes." *Journal of Sports Sciences* 18(4): 275-290.
- Nicholls, J. G. (1989). *The competitive ethos and democratic education*, Harvard University Press.
- Petherick, C. and D. Weigand (2002). "The relationship of dispositional goal orientations and perceived motivational climates on indices of motivation in male and female swimmers." *International Journal of Sport Psychology* 33(2): 218-237.
- Ryan, R. M. and E. L. Deci (2000). "Self-determination theory and the

facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being." *American psychologist* 55(1): 68.

Tahmasebi, S., Shahbazi, M., & Salehi, k. (2013). Study the validity and reliability of perceived motivational climate in sportquestionnaire-2 (PMCSQ-2) for Iranian athletes. *Journal of Research in Sport*

Management and Motor Behavior, 6 (22), 45-29. In Persean.

VaezMousavi, M., & Mosayebi, Fathollah. (2008). *Sports Psychology* (Third ed.). Tehran: Samt. In Persean.

Williams, G. C,et al. (1994). "Medical students' motivation for internal medicine." *Journal of General Internal Medicine* 9(6): 327-333.